

سیاهی های گوتیک*. ژان باتیست بارونیه ترجمه شعله رجایی

۱۴۳

رمان های گوتیک اضطراب های درونی را نشان می دهند. این اضطراب های مبتذل و پیش پا افتاده ناشی از موجودات شیطانی، دیو و غول نیست بلکه اضطراب های تکان دهنده، متأثر از تصور صحنه ای آشفته و هیجان انگیز است.

قصر دو ترانت (Le chateau d'otrance) در تاریخ ادبیات غرب نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. این اثر دقیقاً اولین رمان گوتیک و اعجاب انگیزتر آنکه آرک وال پُل نویسنده این رمان در سال ۱۷۶۴ این اثر را به منظور سرگرمی، تخطئه و دست انداختن اطرافیان با ۵۰۰ نسخه منتشر کرد. این نوشته در محل اقامت او در کناره های استر ابری هیل منتشر شد.

این رمان متأثر از داستانهای ایتالیایی است منسوب به کاهنی که در کلیسای شهر میزیسته و اظهار می دارد که نسخه اصلی، خصوصیت نوشته های گوتیک را دارد که در کتابخانه خانواده ای کاتولیک در شمال امریکا نگهداری می شود.

مطالب نوشته شده در مورد قصر بیشتر از پیش ما را مطمئن می کند که نوشته ای دور از حقیقت است و تمام کسانی که این داستان را

خوانده‌اند متحیر و متشوش شده‌اند.

توماس گری، شاعر، در نامه‌ای خطاب به وال پُل می‌گوید که قصر دوترنت چنان وحشتی در من برمی‌انگیزد که نه تنها خود بلکه متعلقین من هم شهادت خوابیدن در آن را ندارند. مطالب نوشته شده بسیار دور از ذهن است.

ویلیام واربورتن، کشیش و متخصص در معماری قرون وسطی از تصورات زیبا و استعداد قابل توجه او سخن می‌گوید. او می‌گوید نویسنده این کتاب با ایجاد ترس و وحشت و ترحم احساس‌ها را از معایب اخلاقی منزه می‌کند. در قرن معرفت، فروغ دانش، مشاهدات عقلی و منطقی و مراجعه به صحّت دایرة المعارف‌ها، وحشتی بزرگ و در عین حال بسیار نوهی‌دا می‌شود. مادر عین حال جای پای اضطراب و تزکیه را می‌بینیم. اما این اضطراب مانند اضطراب‌های مبتذل و پیش‌پاافتاده و تصنعی داستانهای مشرق زمین نیست. نمونه آن قالیچه پرنده علاء‌الدین و چراغ جادو و وردخوانی است. اینها به هیچ وجه حیوان افسانه‌ای، هیولاهای خیالی و موجودات شیطانی نیستند. این اضطراب‌ها ناشی از اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم مسیحی هم نیستند.

تزیینات و محیط خانوادگی قصر توصیف شده توسط وال پُل بیشتر از پیش ما را دچار اضطراب می‌کند تا بازیگرهای آن مثل مانفرد - که نماد شخص غاصب - و یا هیپولیت که سمبول نجابت است.

آلیس.ام. کین در مطالعه‌ای که روی رمان سیاه (۱۹۶۷) (*Le Roman terrifiant ou Roman noir*) کرده است این چنین می‌گوید: راهروهای کهنه و فرسوده، انسانهایی با جوشن و کلاه خود، گذرگاه‌های پیچ در پیچ و گردش شبح‌ها همه خیال برانگیزند.

ساختمان‌های قدیمی گوتیک با برجها و خندق‌ها و پل‌های متحرک که پایین می‌آیند برای عبور اسب سوارهای مجلل.

همه اینها تشریفات قرون وسطی است. لباسهای زمان بربریت، خرافات، اسباب و وسائل و تدارکات قصر نمونه و سرمشق بسیاری از این نوع آثار شد که موضوع اصلی براساس وحشت مافوق طبیعی است.

در زمانه ما می‌توان گوتیک را وحشتناک، سیاه، سرسام، خشمگین نام نهاد.

نمونه‌های این آثار بسیار زیادند، یکی از آنها کتابشناسی گوتیک (*Gothic Bibliography*)، که توسط مونتگ سامرز (*Montague Summers*) در سال ۱۹۴۰ در لندن منتشر شد، گواه این ادعا است.

این کتاب با ۶۲۰ صفحه، اشاره‌ای دارد به کتابهایی که بین سالهای ۱۸۲۴-۱۷۶۴ منتشر شد. به شیوه‌ی مطمئن تری باید گفت که این کتاب شامل فهرستهای فتنه‌برانگیز و عصیان و شورش است. به طور مثال باحرف (S) می‌توانیم با اسم مارکی دو ساد Marquise de Sade و نوشته‌هایش آشنا شویم. طبیعتاً در کنار نویسندگانی چون آن رادکلیف (Anne Radcliffe) و متئو لوئیس (Matthew G. Lewis) نویسنده کتاب مشهور (۱۷۹۶) نویسندگان فراموش شده، تحقیر شده و یا ناشناس نیز بسیار فراوانند. بیشترین آنها نویسندگان انگلیسی و بریتانیایی هستند.

از دیدگاه موریس لوی (Maurice Lévy) رمان گوتیک، رمانی انگلیسی است. هرچند بعضی از رقبای کشورهای و فرهنگ‌های دیگر نیز هستند.

از این نمونه می‌توان از آلمان ارنست هافمن با کتاب اکسیرهای شیطان (۱۸۱۶) که الهام گرفته از کتاب نوشته‌ی لوئیس است را نام برد. این کتاب انسان را در اضطراب، ترس و وحشت فرو می‌برد. فضایی وحشتناک، وهمی و خیالی و غیر مذهبی ایجاد می‌کند. نمونه‌ای مشابه در لهستان که در سال ۱۸۱۵ یافت شد. داستانی با قسمتهایی بی‌ارتباط که سراسر دلواپسی و اضطراب است.

رمان گوتیک به زبان انگلیسی است که در سال ۱۹۶۸ توسط موریس لوی نوشته شده است. این داستان اشاره‌ای دارد به وحشت گوتیک که قصرها و صومعه‌ها را فرا گرفته. اما سرنوشت ملی آنها زوال و ویرانی است.

او اظهار می‌دارد اضطراب ناشی از این قصه‌ها گویی طعم خاک می‌دهد یعنی همان طعم دل زدگی. لوی می‌گوید رمان گوتیک انگلیسی مانند خوابی می‌ماند که انسان با مشاهده ویرانی‌های گذشته ناگهان از آن برمی‌خیزد.

رویای سنگینی که انسان را به قهقرا سوق می‌دهد. می‌دانیم که نویسندگان سورئالیستی مانند آندره برتون و پل الوار تاچه اندازه حساس بوده‌اند و تاچه اندازه از این علائم و آثار تقدیر کرده‌اند. در خاتمه باید بگویم که رمان گوتیک برپایه و اساس اضطراب و دلواپسی پی‌ریزی شده.

اضطرابات، ناشی از خیالات واهی و شیوه‌های پرشور افسانه‌ای است و دیر زمانی است که تمام کتابهای غیر قابل رؤیت الهام گرفته از قصر که پل الوار نمونه بارز آن است به نابودی و عدم موفقیت ادبیات منتهی می‌شوند. ♦♦

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی